

# سیاست

## فکری جدی برای یک وصیتنامه سیاسی آبرومند

مهدی پورصفا  
خبرنگار



نگاهی به چرای حملات

مداوم جریان سازندگی

واصلاحات به دولت



برده سوم: فروش تقریباً هیچ

نزدیک به یک سال و نیم است که از پایان دولت دوازدهم گذشته است. همه گیری ویروس کرونا با واکنش‌های گسترده به پایان رسیده و دیگر خبری از کشتارهای چند صد نفری در روز نیست. کابوس ارز ۴۲۰۰ به طور کامل به پایان رسیده و با وجود هزینه هنگفتی که حذف ارز ۴۲۰۰ به محبوبیت دولت سیزدهم تحمیل می‌کرد اما باز هم این اقدام با حداقل ناآرامی و آشوب انجام شد.

میزان فروش نفت از دوران مصیبت بار دولت دوازدهم فاصله گرفته و بر طبق گزارش اداره کل انرژی آمریکا، ایران در ماه‌های اخیر نزدیک به ۳۶ میلیارد دلار نفت فروخته است. تمام اینها در حالی است که همچنان برخی مشکلات روی دوش دولت سنگینی می‌کند. جنگ اوکراین سبب افزایش قیمت کالاها و مواد اساسی شده است. از طرف دیگر هنوز بار تحریم‌های سخت آمریکا نیز روی دوش کشور سنگینی می‌کند. در این میان دولت تلاش می‌کند تا بار دیگر به تله‌ای همچون برجام وارد نشود.

بماند که دولت در پی افزایش سرمایه‌گذاری در اقتصاد و رشد صفر درصدی در دهه گذشته است. در این میان نکته مهم تلاش برخی بانیان سال‌های ۱۳۹۶ تا ۱۴۰۰ برای فروش دوباره محصول کار خود به مردم است. تقریباً تمام مردم ایران نتایج فاجعه‌بار آن سال‌ها را با گوشت و پوست خود احساس کرده‌اند و همچنان نیز اثرات این اتفاقات ادامه دارد. ممکن است برخی همچنان سال‌های ۹۲ تا ۹۶ را سال‌های خوشی بدانند اما اغلب متخصصان اقتصادی سال‌های سخت بعدی را نتیجه عملکرد همان سال‌ها می‌دانند. بستن قرار سستی همچون برجام یا در پیش گرفتن یک سیاست اقتصادی معیوب که منجر به بالا رفتن نرخ بهره در کشور و بالا رفتن هزینه سرمایه‌گذاری شده است.

از این رو طبیعی است که نباید حمله هماهنگ حامیان آن سال‌ها همچون روزنامه سازندگی یا عبدالناصر همتی رئیس بانک مرکزی را در آن سال‌ها جدی گرفت. شاید اگر کار درست‌تر برای این قبیل جریان‌ها توضیح اشتباهاتی است که منجر به این شرایط اسفناک برای کشور شده و گرنه کسی توقع این را ندارد که بار دیگر از همان تجربیات برای اداره کشور استفاده شود.

البته این به معنی آن نیست که روند فعلی دولت بی‌نقص است اما نمی‌توان به طور کامل میراث دولت قبلی را نادیده گرفت، از تحریم‌های برجامی گرفته تا ده‌ها هزار میلیارد تومان بدهی که باید هر ماه از طرف دولت بازپرداخت شود. شاید چنین اتفاقات واکنشی به حقیقتی محتوم باشد که بارها سهواً و عمداً از زبان نمایندگان اصلی این جریان‌ها به صورت علنی بیان شده است. جریان اصلاحات و سازندگی مدت‌هاست که هیچ جمعیتی واقعی را در بین مردم رهبری نمی‌کنند. شکست‌های سال‌های گذشته به قدری برای اعتبار و آبروی آنان هزینه‌زا بوده که اوج رأی‌آوری آنان همان دو میلیون رأی همتی در انتخابات سال ۱۴۰۰ است. شاید تمام این حملات برای این است که خاطرات آن سال‌های تلخ از ذهن مردم زوده شود و زمینه‌ای برای حضور بعدی آنان در انتخابات بخصوص در انتخابات مجلس و شاید حتی ریاست جمهوری فراهم شود ولی حقیقت تلخ چیز دیگری است.

اصلاحات و سازندگی مدت‌هاست که در تاریخ سیاسی ایران به فراموشی سپرده شده‌اند. از همان زمانی که روحانی از صبح جمعه سخن گفت. حملات مداوم به دولت رئیسی نیز چیزی را تغییر نخواهد داد و اتفاقات ماه‌های اخیر به خوبی آن را نشان داده است. شاید به جای اینکه تلاش کنند حاصل مدیریت خویش را که «تقریباً هیچ» بوده بار دیگر به مردم بفروشند، باید فکری جدی برای یک وصیتنامه سیاسی آبرومند کنند.



برده اول: از تقریباً صفر تا زیر صفر

می‌رسید که تمام قدم‌ها اشتباه برداشته شده است. واکنش ایران به خروج آمریکا از برجام تنها به یک واکنش خشک و خالی محدود باقی ماند و در حوزه اقتصادی تثبیت ارز ۴۲۰۰ تومانی نه تنها بازار ارز را به ثبات نرساند، بلکه رانت عظیمی را در اختیار واردکنندگان قرار داد.

آش به قدری شور شد که صالحی، رئیس وقت سازمان انرژی اتمی بعدها در مصاحبه‌ای به این نکته اشاره می‌کند که کاش بعد از خروج آمریکا از برجام، ایران زودتر کاهش تعهدات خود را آغاز می‌کرد. روندی که بسیار آهسته‌آهسته آن هم یک سال بعد در اردیبهشت سال ۹۸ آغاز شد. آن هم زمانی که تحریم‌های آمریکا برای صفر کردن صادرات نفت ایران به نتیجه رسیده بود.

در مقابل دولت روحانی تمام همت خود را روی اجرایی کردن کانال اروپایی برای فروش نفت و واردات مواد غذایی و دارو از اروپا گذاشت، اتفاقی که با وجود تمام بیانی‌ها و نامگذاری‌ها از SPV گرفته تا اینستکس هیچ خروجی جدی نداشت. فشار آمریکا مهم‌ترین مشترکات نفت ایران از جمله کره جنوبی، هند و کشورهای اروپایی را از دور خارج کرد تا صادرات نفت

زمستان سال ۹۶ را شاید بتوان نقطه عطفی در تاریخ دولت دوازدهم دانست. بعد از انتخابات پرشور خرداد ماه آن سال و پس از آن آشوب محدود سال ۹۶ که موضع دولت ترامپ برای خروج از برجام نهایی شده بود، همه نگاه‌ها به پاستور بود.

قیمت ارز به آرامی در حال افزایش بود. سد چهار هزار تومان در همان بهمن ماه شکسته بود و کمتر کسی شک داشت که بعد از سال‌ها ثبات قیمت ارز و تورم در سال‌های ۹۲ تا ۹۶ به بهای نرخ بهره بالا بینجامد، حالا ریسک خروج آمریکا از برجام نرخ ارز را در موقعیت یک جهش دیگر قرار داده است.

اخبار گوناگونی که از تخریب شبکه انرژی ایران در دویی که با فشار دولت آمریکا و همراهی حکومت امارات در اروپایی به بهانه مقابله با پولشویی از زمستان سال ۹۵ آغاز شده بود، هشدارهای روشن به تمام پاستورنشینان بود. اما به نظر می‌رسد که گوش شنوایی در دولت روحانی برای تمام هشدارها وجود نداشت. در یک چشم به هم زدن بهار سال ۹۷ فرا رسید. ترامپ در اردیبهشت همان سال از برجام خارج شد و التهاب بازار ارز به نهایت خود رسید.

باز هم تمام نگاه‌ها به پاستور بود، اما به نظر

برده دوم: زمین سوخته برای آینده

پی‌سی‌گنال ضعف از وضعیت داخلی ایران در ماه‌های اخیر ارسال شد. ادامه تمام این بحران‌ها بدها با اضافه شدن بحران کرونا در انتهای سال ۹۸ تکمیل شد. زمانی که بسیاری از کسب و کارها دچار بحران شدند و نزدیک به یک میلیون شغل در جریان شیوع بیماری به صورت کامل از بین رفت در حالی که دولت تنها به پرداخت مقادیر محدودی وام بسنده کرد.

در این میان بحران ناشی از افزایش بی‌محابای شاخص بورس هم ضربه دیگری به اقتصاد ایران بود؛ اتفاقی که از میانه‌های سال ۹۷ کلید آن خورد و نقطه اوج آن در تابستان سال ۹۹ رقم خورد. میلیون‌ها ایرانی که ضربه سنگینی در اثر افزایش تورم و بیکاری و همچنین افزایش قیمت ارز خورده بودند، پس‌انداز چندین سال خود را وارد بورس کردند و این در حالی بود که بسیاری در خصوص تبعات این اقدام و ریزش ناگهانی بورس هشدار می‌دادند.

اتفاقی که بالاخره در تابستان سال ۹۹ رخ داد و ناگهان با ریزش شاخص بورس، سرمایه بسیاری از افراد یا به طور کامل از بین رفت و یا با ضرر و زیان جدی روبه‌رو شد. اگرچه اکثر این افراد در سرمایه‌گذاری سرمایه خود در داخل بورس مختار بودند اما عدم مدیریت

در ۲۴ آبان ماه سال ۹۸ افکار عمومی با یک خبر ناگهانی غافلگیر شدند. قیمت بنزین سهمیه‌ای به ۱۵۰۰ تومان و بنزین آزاد به ۳۰۰۰ تومان افزایش یافت. خبر در آغازین ساعات صبح روز جمعه منتشر شد و از روز شنبه هفت‌هفته بعد تجمع‌های اعتراضی در شهرهای مختلف بخصوص مناطق حاشیه‌نشین شکل گرفت. با دخالت هسته‌های فعال تروریستی سرعت این اعتراضات حالت آتارشیستی به خود گرفت و منجر به درگیری‌های وسیع بین نیروهای امنیتی و آشوبگران شد. سه روز آشوب با کشته شدن صدها نفر مهار شد اما آسینبی شدید به چهره نظام جمهوری اسلامی ایران وارد شد. در این میان اظهار نظر حسن روحانی در خصوص مطلع شدن از این وقایع در صبح روز جمعه خشم افکار عمومی را بیشتر از قبیل کرد. رویدادهای آبان سال ۹۸ یک نقطه عطف در روابط دولت و ملت در نظام جمهوری اسلامی ایران محسوب می‌شد. اتفاقی که به نظر می‌رسد آسیب‌های آن بلافاصله در انتخابات سال ۹۸ مجلس شورای اسلامی خود را نشان دهد.

علاوه بر این از نگاه بسیاری از تحلیلگران این رویداد در تصمیم‌گیری دولت ترامپ در به شهادت رساندن شهید حاج قاسم سلیمانی مؤثر بود. اتفاقی که در



رویدادهای  
آبان سال  
۹۸ یک نقطه  
عطف در روابط  
دولت و ملت در  
نظام جمهوری  
اسلامی ایران  
محسوب  
می‌شد.  
اتفاقی که به  
نظر می‌رسید  
آسیب‌های آن  
بلافاصله در  
انتخابات سال  
۹۸ مجلس  
شورای اسلامی  
خود را نشان  
دهد

صحیح دولت سبب شد تا افراد بدون آموزش و چشم‌انداز لازم وارد بورس شوند، امری که هنوز جزو یکی از مهم‌ترین مشکلات جامعه در سال‌های اخیر محسوب می‌شود. در شش ماه پایانی دولت دوازدهم و از زمان روی کار آمدن دولت بایدن امیدواری شدیدی در دولت ایجاد شد تا با گفت‌وگو با دولت تازه بایدن در آمریکا زمینه بازگشت این کشور به برجام فراهم شود و همان‌گونه برجام نیز با یک دولت دموکرات به نقطه توافق رسید.

با این حال چند دور مذاکره دو طرف در ماه‌های پایانی دولت به جایی نرسید و امریکایی‌ها حتی در پی این بودند که فروش واکسن کرونا را به مذاکرات دو طرفه پیوند بزنند؛ امری که با واکنش صریح رهبری همراه شد و در نهایت با ساخت واکسن برکت منجر به صدور معافیت تحریمی برای خرید واکسن کرونا و تجهیزات مرتبط از محل فروش نفت شد.

در نهایت شش مذاکره دوطرفه به جایی نرسید و عمر دولت دوازدهم به پایان رسید. قیمت دلار مرداد ماه سال ۱۴۰۰ نزدیک به ۲۴ هزار تومان بود یعنی هفت برابر زمانی که دولت دوازدهم آن را در مرداد ۹۶ تحویل گرفت.